

درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۹۲

موضوع کلی: بررسی وثاقت بعضی روایات مورد اختلاف

مصادف با: ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: ۲- علی بن ابی حمزه بطائنی

جلسه: ۱۹

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در مورد مذهب علی بن ابی حمزه بطائنی دو دسته روایت وارد شده که در یک دسته از روایات گفته شده او تا آخر عمرش بر وقف باقی مانده و از آن رجوع نکرده اما در دسته دیگری از روایات اشاره شده که او از وقف رجوع کرده است، البته اصل اینکه علی بن ابی حمزه بطائنی واقفی بوده مورد اتفاق هر دو دسته از روایات است لکن اختلاف در این است که آیا از وقف رجوع کرده یا نه؟ ما به روایات دسته اول (روایات دال بر عدم رجوع از وقف) اشاره کردیم و در رابطه با دسته دوم (روایات دال بر رجوع از وقف) هم چندین روایت وجود دارد که به سه روایت اشاره کردیم و یک روایت دیگر را هم امروز عرض می‌کنیم.

روایت چهارم:

عن علی بن ابی حمزه عن ابيه عن الصادق جعفر بن محمد (ع) عن ابيه (ع) عن آبائه (ع) قال: قال رسول الله (ص) حدثني جبرائيل عن رب العزة جل جلاله الى أن يقول: و قام جابر بن عبدالله الانصاري و قال: يا رسول الله! و من الأئمة من وُلد عليّ بن أبي طالب؟ فقال: «الحسن و الحسين سيّدا شباب أهل الجنة، ثم سيّد العابدین فی زمانه علیّ بن الحسين، ثم الباقر محمّد بن عليّ - ستدرکه یا جابر! فإذا أدركته فأقرأه مني السلام ثم الصادق جعفر بن محمّد - ثم الكاظم موسى بن جعفر، ثم الرضا عليّ بن موسى، ثم التقى محمّد بن عليّ، ثم النقيّ عليّ بن محمّد، ثم الزكيّ الحسن بن عليّ، ثم ابنه القائم بالحق مهديّ أمّتي الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً هؤلاء - يا جابر- خلفائي و أوصيائي و أولادي و عدّتي. من أطاعهم فقد أطاعني، و من عصاهم فقد عصاني، و من أنكرهم أو أنكر واحداً منهم فقد أنكرني، بهم يمسك الله عزّ و جل السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه و بهم يحفظ الله الأرض أن تميد بأهلها»؛ جابر بن عبدالله انصاري از رسول اکرم (ص) سؤال کرد: یا رسول الله (ص) چه کسانی از فرزندان علی بن ابیطالب (ع) امام خواهند بود؟ رسول اکرم (ص) در پاسخ به اسامی تک تک ائمه (ع) اشاره فرمودند.

۱. کمال الدین، ص ۲۵۸، باب ما روی عن النبی (ص) فی النص علی القائم (عج)، حدیث سوم.

روایات دیگری هم ذکر شده که در همه اینها علی بن ابی حمزه روایاتی را نقل کرده که در آنها به امامت ائمه اثنی عشر تصریح شده و معلوم است که اگر او بر مذهب وقف باقی مانده بود این روایات از طریق او نقل نمی‌شد.

### **بررسی روایات:**

#### **بررسی روایات دسته دوم:**

**اولاً:** احتمال دارد آنچه در این روایات نقل شده در زمان قبل از وقف علی بن ابی حمزه بوده لذا نهایت چیزی که در مورد این روایات می‌توان گفت این است که اثبات می‌کند علی بن ابی حمزه بطائنی زمانی به امامت ائمه اثنی عشر اعتقاد داشته لکن بعداً به مذهب وقف درآمده و این روایات را قبل از اینکه واقفی شود نقل کرده است اما از این روایات نمی‌توان استفاده کرد که او تا آخر عمرش بر مذهب وقف باقی مانده است.

**ثانیاً:** این روایات ممکن است با مذهب وقف هم قابل جمع باشد، به این بیان که علی بن ابی حمزه به عنوان ناقل و راوی حدیث این روایات را نقل کرده اما خودش معتقد به وقف بوده است.

**ثالثاً:** بعضی از این روایات ضعف سندی دارد، چون در سند این روایات خود علی بن ابی حمزه که محل بحث است وجود دارد و اگر او ثقة نباشد نمی‌توان به روایاتی که نقل کرده اعتماد کرد.

نتیجه اینکه روایات دسته دوم بر رجوع علی بن ابی حمزه از مذهب وقف دلالت ندارد. البته ممکن است ادعا شود همان طور که این روایات بر رجوع علی بن ابی حمزه از وقف دلالت ندارد بر واقفی بودن او هم دلالت ندارد و قائل به واقفی بودن علی بن ابی حمزه باید پاسخ دهد.

#### **بررسی روایات دسته اول:**

با توجه به اینکه در دسته اول بعضی از روایات سنداً معتبر و بعضی از روایات هم داللتشان بر اینکه علی بن ابی حمزه از نظر اعتقادی مشکل پیدا کرده واضح و روشن است لذا اگر بخواهیم یک جمع بندی از این روایات داشته باشیم جانب عدم رجوع علی بن ابی حمزه بطائنی از وقف بر جانب رجوع ترجیح دارد و بزرگان از علم رجال مثل شیخ طوسی، کلینی، کشی و امثال اینها مجموعاً روایاتی را در این رابطه ذکر کرده‌اند که این روایات به واسطه صحت سندی و ظهور دلالتی مشکله عقیدتی علی بن ابی حمزه را اثبات می‌کند؛ مثل روایتی که امام (ع) بعد از مردن علی بن ابی حمزه فرمودند: از امام بعد از پدرم موسی بن جعفر (ع) از او سؤال شد و او در پاسخ گفت: من امامی بعد از او نمی‌شناسم، به او گفته شد: نمی‌شناسی؟! پس ضربه‌ای به او زدند که قبرش پر از آتش شد. لذا با وجود این روایات و اذعان کسانی مثل مرحوم شیخ طوسی ظاهراً از نظر مذهب ثابت شده که علی بن ابی حمزه بطائنی واقفی و رئیس واقفیه بوده است.

### وثاقت و عدم وثاقت علی بن ابی حمزه:

اما سخن این است که مذهب به تنهایی موجب ضعف راوی نمی‌شود بلکه آنچه در خبر مهم است وثاقت است که اگر وثاقت یک راوی غیر امامی هم ثابت شود روایات او به عنوان موثقات مورد استناد قرار می‌گیرد بنابراین باید از جهت وثاقت او بحث شود که آیا علی بن ابی حمزه ثقه بوده یا نه؟

در مورد وثاقت او هم دو نظریه وجود دارد: یک نظر این است که علی بن ابی حمزه بطائنی ضعیف بوده و در مقابل عده‌ای قائل به وثاقت او شده‌اند.

### ادله وثاقت علی بن ابی حمزه بطائنی:

بعضی از ادله‌ای که بر وثاقت علی بن ابی حمزه ذکر شده همان ادله‌ای است که در مورد محمد بن سنان وارد شده بود که به آنها اشاره می‌کنیم.

#### دلیل اول: وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی

فرق علی بن ابی حمزه با محمد بن سنان از این جهت در این است که نام محمد بن سنان فقط در بخش دوم تفسیر علی بن ابراهیم ذکر شده - تفسیر علی بن ابراهیم دو بخش دارد که بخش دوم مربوط به خودش نیست و وقوع در بخش دوم دال بر وثاقت شخص نیست - اما نام علی بن ابی حمزه بطائنی در هر دو بخش این تفسیر ذکر شده لذا وقوع در اسناد این تفسیر دال بر وثاقت اوست.<sup>۱</sup>

#### دلیل دوم: روایت اجلاء از او

کسانی مثل صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر و بزنی (مشایخ ثلاث) از علی بن ابی حمزه بطائنی روایت کرده‌اند، بعضی از اصحاب اجماع مثل حسن بن محبوب، عبدالله بن مغیره، حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی هم از او روایت کرده‌اند، همچنین بعضی از کسانی که به عنوان «انهم لایروون الا عن الثقة» شهرت پیدا کرده‌اند از او روایت کرده‌اند - «لایروون الا عن ثقة» غیر از مشایخ ثلاث است، چون ما از توثیقات عامه دو گروه را مورد بررسی قرار دادیم که با هم فرق داشتند؛ یکی گروهی بودند که تحت عنوان «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» قرار می‌گرفتند که مشایخ ثلاث (صفوان، ابن ابی عمیر و بزنی) بودند و دیگری گروهی بودند که تحت عنوان «لایروون الا عن ثقة» قرار می‌گرفتند - که از این دسته می‌توان به اشخاصی مثل علی بن حسن طاطری و جعفر بن بشیر اشاره کرد.

به هر حال روایت اجلاء از علی بن ابی حمزه بطائنی اعم از مشایخ ثلاث، اصحاب اجماع و کسانی که «لایروون الا عن ثقة» دال بر وثاقت علی بن ابی حمزه است، تعداد کسانی هم که از او روایت نقل کرده‌اند کم نیستند تا جایی که مرحوم آقای خویی

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ص ۵۷.

می‌فرماید: بیش از ۳۰ نفر از علی بن ابی حمزه بطائنی روایت نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> بنابراین نفس روایت این اشخاص از علی بن ابی حمزه بطائنی بر وثاقت او دلالت می‌کند.

#### **دلیل سوم: کلام اعلام رجال**

ابن غضائری - که غالباً به تضعیف دیگران پرداخته و چون کثرت تضعیف داشته نوعاً به تضعیفات او توجه نمی‌شود - در مورد حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی می‌گوید: «انّ اباه اوثق منه»<sup>۲</sup>؛ یعنی خود علی بن ابی حمزه از فرزندش اوثق بوده است. لذا از این کلام می‌توان وثاقت علی بن ابی حمزه را استفاده کرد.

شیخ طوسی فرموده: «و لاجل ذلك أی الوثاقه عملت الطائفة باخبار الفتحية و اخبار الواقفة مثل سماعة بن مهران و علی بن ابی حمزة»<sup>۳</sup>؛ این عبارت هم در وثاقت علی بن ابی حمزه ظهور دارد.

**مؤید:** شیخ طوسی و نجاشی علی بن ابی حمزه را به ضعف متهم نکرده و تنها طعنی که در مورد او بکار برده‌اند همان مسئله وقف است.

**بحث جلسه آینده:** دو دلیل دیگر در مورد وثاقت علی بن ابی حمزه بطائنی باقی مانده که ان شاء الله در جلسه آینده آنها را ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۴۸.

۲. مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. غدة الاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.